

تبریز در سفرنامه ی خبرنگار سایت تلگراف جمهوری آذربایجان

آرزو عبدالله خبرنگار سایت تلگراف جمهوری آذربایجان پس از سفر خود به تبریز در سفرنامه ای به مقایسه شهر تبریز با باکو پرداخت

خبرگزاری آران/
خبرگزاری آران/سرویس ایران

آرزو عبدالله خبرنگار سایت تلگراف جمهوری آذربایجان پس از سفر خود به تبریز در سفرنامه ای به مقایسه شهر تبریز با باکو پرداخت.

به گزارش آران نیوز به نقل از telegraf.com وی با توصیف شهر تبریز و برخی امتیازات جمهوری اسلامی ایران، به مقایسه اوضاع ناخوشایند کشور خودشان پرداخته و از منظر زیبایی بینی، به تبلیغ نکات مثبت و برجسته ی شهر تبریز و در کل، تبلیغ کشور عزیزمان پرداخته است.

خانم عبدالله در ابتدای نوشته، مصادف شدن زمان حضور خود در تبریز را با باردگی فصلی آغاز کرده و با مقایسه ی ایام باردگی در شهر باکو، به نقد از زیرساختهای باکو پرداخته و می نویسد: در تبریز بعد از باردگی شهر در حالت برپادی قرار نمی گیرد زیرا در کناره ی خیابانها، جوی آبی تعبیه شده که دیگر آنها در وسط خیابان و آسفالت جمع نشده و مشکلات بعدی را به بار نمی آورد و یا اینکه خط ویژه ی اتوبوس در شهر، امکان جابه جایی سریع و ارزان را به شهروندان تبریزی بخشیده است.

وقتی در خیابانها موتورسواری را می دیدم که در ترک آن یک خانم محجبه نشسته است، مدرن شدن را با حفظ سنت های قبلی و تاریخی را در یک شهر شرقی مشاهده می کردم و حقیقتا برایم جالب بود.

این خبرنگار در بخشی از نوشته ی خود به نبود هیكل و مجسمه ها در ایران پرداخته و نوشته؛ از منظر اسلامی برافراشتن مجسمه نوعی بت پرستی محسوب می شود و اگر مجسمه ای در شهر تبریز و دیگر شهرهای ایران باشد مربوط به شهدا است، مردم و دولت ایران احترام بالایی به شهدا، رزمندگان و خانواده های شهدا قائل هستند، دولت به عنوان امتیاز، فرزندان شهدا را به خدمت سربازی نمی برد و...

در بخش دیگر به بالا بودن وضعیت بهداشت و درمان و داشتن دفترچه های درمانی و بیمه ای پرداخته که می نویسد این دفترچه ها که تصویر ابن سینا بر روی جلد آن نقشه بسته، این امکان را به شهروندان ایرانی می دهد که از امتیاز درمان و معالجه بهتر و ارزان تر بهره مند گردند.

وی در ادامه می نویسد: وقتی از تبریز راهی اردبیل بودم در ایران فراوانی بازار و اقلام را کاملا حس می کردم کوههای تبریز و اردبیل سر سبز و با طراوت به چشم می خورد. در روستاهای نزدیک مردم به کار کشاورزی مشغول بودند. و برای آبیاری بالای کوه از جدید ترین سیستم روز دنیا استفاده می کردند. و دولت متعهد به تامین آب شیرین ساکنان روستا ها باقیمت خیلی ارزانتر هست.

در عین حال دولت محصول به دست آمده توسط روستاییان را گران تر از بازار از کشاورزان می خرد و با این کار به بخش کشاورزی رونق می بخشد. در تمام مسیر قیمت تمام میوه ومحصولات مشخص است.به عنوان مثال سیب زمینی بین 50الی 60 قپیه جمهوری آذربایجان فروخته می شود.گلخانه های گسترده ای در ایران وجود دارد.و در تمام فصول سال ارزان بودن قیمت میوه متاثر از همین کار می باشد.

در ایران رشد کشاورزی حاکی از آن است که دولت از کشاورزان به طریق مختلف مانند پرداخت وام های بلند مدت و سودهای کم حمایت می کند .

جاهای بسیار کمی هست که بلا استفاده مانده و به گاو چرانی تبدیل شده است.اکثر مردم به کشت زراعت مشغول هستند و کمتر کسی به کار دامپروری مشغول است. و برای این کار تمام بستر ها فراهم شده است و مزایای خاصی اختصاص داده می شود.

از همان اول باستان تا به امروز اردبیل و تبریز در نظر تمام مسافران بهترین منطقه برای گردش می باشد.در دامنه کوه باغهای که با طراوت و درخت ها و گل های زیبای نشان از تنوع می باشد و در مسیر جاده درختان گردو بادام و سیب نمایان است.تمام اینها را در نظر بگیریم نشان از پشتوانه دولتی بوده که از طریق زیر ساختها انجام پذیرفته است. در واقع آینده را برنامه ریزی و علم جلو می برد.

سال گذشته در روزنامه La Figaroفرانسه مطلبی منتشرشده بود و از 32دانشگاه بر تر دنیا جهت همکاری در خواست کرده بود که حوزه علمیه قم ایران در رتبه اول و دانشگاه تهران قبل از دانشگاه هاروارد قرار داشت . که این نشان از برنامه ریزی و آینده نگری کشور ایران است. بله، ایران به چنین آموزش بالا توسعه یافته است. این توسعه رو به افزایش، از برنامه ریزی این دولت است. درسطح بالابودن آموزش و پرورش، رشد خودش در صحنه عمل نشان می دهد.

وقتی که در تبریز بودم یک بار از دانشگاه تبریز دیدن کردم که واقعا در تعجب ماندم دانشگاهی عظیم و بزرگ که اصلا آدم نمی دانست کجای دانشگاه برود و در حیاط دانشگاه به چند مجسمه برخوردیم اینها تنها مجسمه در کل دانشگاه بودندکه یکی مجسمه سنگی استاد شهریار و دیگری هم مجسمه یکی از شهیدان جنگ بود. اینها برایم خیلی تازگی داشت.

در این دانشگاه که من مشاهده کرده و با اساتید و دانشجویان صحبت کردم رضایتندی بالای ازتمام لحاظ وجود داشت دانشجویان از امکانات رفاهی خوب و از درمانگاه رایگان و از وام بدون بهره استفاده می کردند .

در آذربایجان وقتی صحبت از ایران می شود به پایمال شدن حقوق زنان در ایران اشاره می کنند.ولی من چنین چیزی مشاهده نکرده بلکه برعکس آنرا دیدم .

در سال 2005قانونی به حمایت از حقوق زنان به تصویب نمایندگان مجلس قرار گرفت.و در سال 2006 به اجرا در آمد. که این قانون فکر می کنم که یک بخش کامل از برنامه بلند مدت 20 ساله کشور در جهت تقویت نقش زنان در زندگی اجتماعی هستند، و به رضایت کامل از حقوق قانونی خود اختصاص داده شد.

شرایط برای تحصیل و ادامه آن در دانشگاه در ایران روز به روز برای زنان بسترهای خوبی مهیا می شود بنابراین، نرخ باسوادی در میان زنان در 30 سال گذشته از 35.5 درصد به 80 درصد افزایش یافته است. حتی در جمعیت شهری، این رقم 88 درصد رسیده است. می توان گفت که در کنکور بیش از 60در صد قبولی از آن دختران می باشد.در ایران مجلات و سازمانهای حمایت از حقوق زنان وجود دارد.

و زنان در تمام کارها مشارکت دارند و در تمام زمینه ها همراه مردان هستند. زنان ایرانی در طیف گسترده ای از ورزش مشغول اند، از سال 1997 در بازی های المپیک زنان شرکت داشتند.در ایران حقوق زن و مرد مساوی است و زنان از کارهای سخت معاف هستند و قانونی برای موقع بارداری وجود دارد که شش ماه از مرخصی آن استفاده میکنند و در ماه های اول به تغذیه بچه رسیدگی می کنند .

در این کشور به مادران رزمندگان و مادرانی که فرزنان زیادی دارد امتیازات بیشتری می دهند .

در تبریز راننده بعضی اتوبوس ها زنان بودند این در حالی است که در عربستان سعودی رانندگی برای زنان ممنوع است .و در تبریز بعضی تاکسی ها هم راننده آنها زن بودند.

ایران یک کشور بزرگ با تمدن کهن جای امن و راحت برای زنان و مردان این سرزمین است.

